

محرمانه کردن فساد

عباس عبدي

فضاي مجازي آثار مثبت خود را هر روز بيش از بيش نشان مي‌دهد. البته در جوامع توسعه‌يافته براي ديدن اين اثرات مثبت نيازي به فضاي مجازي نيست، زيرا رسانه‌هاي آزاد آنها، وظايف فضاي مجازي را خيلي دقيق‌تر انجام مي‌دهند. يكي از وظايف رسانه‌ها، مچ‌گيري از مديراني است که از موقعيت اداري خود سوءاستفاده شخصي مي‌کنند. اين کار در ايران با شيوه‌هاي گوناگون انجام ميشود ولي يکي از بدترين شيوه‌ها، محرمانه کردن نامه‌نگاري‌هايي است که سوءاستفاده‌ها از آن طريق انجام ميشود. اخيرا دو مورد نامه‌نگاري براي استخدام دختر يك نماينده مجلس و نيز دختر يك مدير دولتي صدا و سيما منتشر شده که با مهر محرمانه ابلاغ شده است. هنگامي که مهر محرمانه بر يك نامه زده ميشود، گردش کار آن و حتي دبیرخانه آن نيز تغيير مي‌کند و کارمندان محدودی از آن مطلع ميشوند و افشاي آن مصداق عمل مجرمانه تلقي خواهد شد! در حقيقت اين سوءاستفاده از اختيار محرمانگي بدتر از اصل پارتي‌بازي و سوءاستفاده کردن از جا يگانه قدرت براي استخدام افراد فاميل است. در جوامع پيشرفته، روزنامه‌نگاران ملتزم به رعايت اين طبقه‌بندي محرمانه نيستند. اصل محرمانگي در برابر حقوق مردم اعتبار ندارد و حتي اگر نامه سري هم افشا شود که به نفع جامعه باشد، مصداق افشاي سند طبقه‌بندي شده نخواهد بود، زيرا هيچ مقام اداري حق ندارد که امور مربوط به حقوق ملت را محرمانه و سري اعلام کند. اين کار سوءاستفاده آشکار از اختيارات اداري است. بايد با مديراني که از اين طريق اقدام به سوءاستفاده کرده‌اند دو بار برخورد شود، اول به دليل توصيه به ناحق براي استخدام يا هر کار و امتياز به ناحق ديگر و دوم و مهم‌تر از آن به دليل سوءاستفاده از اختيار محرمانه کردن مکاتبات در جهت منافع شخصي و به نظر ميرسد که اين دومي بسيار بدتر از تخلف اول است، زيرا ارزشهاي نظام اداري را مختل مي‌کند .

چه بايد کرد؟ اولين و مهم‌ترين کار بي‌اعتبار کردن اصل محرمانگي در امور مربوط به حقوق مردم است. در واقع بايد حق انتشار اين‌گونه اقدامات و اسناد محرمانه، براي رسانه‌ها حفظ شود. البته در اين دو مورد ظاهرا کسي متعرض انتشار نشده است، ولي به گمانم نظام اداري دنبال پيدا کردن و انتقام از منبع درزدهنده اين نامه‌ها خواهد بود

تا بتواند امکان سوءاستفاده از محرمانگی را برای خود حفظ کند. در هر حال باید به‌طور رسمی و قانونی اجازه انتشار اسناد محرمانه‌ای که محرمانگی آن موجب تضییع حقوق عمومی و مردمی می‌شود را صادر کرد تا دیگر کسی جرات نکند از موقعیت اداری خود و حق محرمانه کردن اسناد اداری سوءاستفاده شخصی کند. اقدام دیگر و ضروری نیز برخورد اداری با مدیرانی است که از حق محرمانه کردن سوءاستفاده کرده‌اند و آن مهر طبقه‌بندی را بر موضوعی که عادی است زده‌اند تا این تبعیض و تخلف آشکار آنان پنهان بماند. متأسفانه باید گفت که بدتر از این کار نیز هست. سکوت رسمی در برابر این اقدامات و نیز انتصاب‌های فامیلی بدتر از این است. انتصاب‌های فامیلی و قومی و به شکل جدیدتر آن هم‌دانشگاهی و رفاقتی معنای بسیار روشنی دارد که نشان‌دهنده سقوط نظام بروکراتیک کشور در ورطه خانوادگی و رفاقتی است و نتیجه سکوت و حتی تایید این فرآیند پیشاپیش روشن است.

□□□□□□ □□□□ 1400 □□□□ 5 □□□□□□ □□□□□□□□□□